

موزه‌ی ایران باستان؛ پیوندی میان گذشته، حال و آینده^۱

نوشین ضیاءشهابی^۲

دکتر نادیه ایمانی^۳

مقدمه

در سال‌های آغازین چهاردهمین سده‌ی هجری شمسی که بساط سلطنت قاجار برچیده شد و پهلوی اول ایران‌زمین را در قبضه قدرت گرفت، در زمینه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و اداری دگرگونی‌هایی روی داد. نوسازی کشور از روی نمونه‌ی کشورهای پیشرفته، در عین ترویج ملی‌گرایی و تجدید مجد و عظمت ایران باستان وجهه‌ی همت قرار گرفت. نهادهایی پا گرفت همچون ادارات دولتی، موزه‌ها، دانشگاه‌ها و کارخانه‌ها که همه‌ی آن‌ها در ایران آن روز بی‌سابقه بود و نمونه‌های غربی در آن‌ها سرمشق قرار داده می‌شد. به علت عدم آشنایی استادکاران هنر معماری ایران با عملکرد بسیاری از این بناها از معماران غربی برای ساخت آن‌ها دعوت می‌شد. پهلوی اول می‌خواست فرا نماید مملکتی که در عهد باستان مشعل‌دار عمران و آبادانی بود، در روزگار او نیز - به‌زعم او - در توانش هست که هم‌تراز کشورهای پیشرفته شود؛ اما عقب‌ماندگی از کشورهای پیشرفته را چه چاره توان ساخت؟ شکوه دوران باستان در معماری را چگونه باز توان آورد؟

بررسی ساختمان‌هایی که در این دوره به فرمایش حکومت وقت ساخته شده است راهی باز می‌کند به استنباط پاسخ این پرسش‌ها، چراکه معماری هر عصر آینه تمام‌نمای فرهنگ آن عصر است؛ اما در میان همه‌ی این ساختمان‌ها موزه‌ی ایران باستان برجستگی و امتیازی دارد خاص که خود نام ساختمان بدان اشارتی می‌تواند داشت. چراکه ساختن موزه در ایران سابقه نداشت و دریغ می‌آمد که کشوری مدعی افتادن در خط پیشرفت و نوسازی فاقد موزه‌ای باشد درخور سابقه درخشان تاریخی‌اش. این موزه به جهت تأکید بر تاریخ ایران و مجموعه آثاری که در آن به نمایش گذاشته می‌شود نیز حائز اهمیت است. با تأکید بر این دو، اهمیت موزه و آثار، معماری آن نیز می‌بایست خصوصیتی می‌داشت منحصر به فرد. به همین جهت چنین می‌نماید که بررسی معماری موزه‌ی ایران باستان هم تأثیرپذیری آن از معماری گذشته و جایگاهش در معماری معاصر ایران را باز می‌نماید و هم نمودار پیوندی است که به واسطه نوع ساختمان (موزه) و معماری آن میان گذشته، حال و آینده برقرار می‌سازد و می‌تواند درک متفاوتی از معماری ایران را نتیجه دهد.

اما برای دستیابی به چنین شناختی و تعیین جایگاه موزه‌ی ایران باستان در تاریخ معماری معاصر ایران اولین قدم شناخت خصوصیات بناست. شناختی که با گذار از تاریخ‌نگاری، بنیان‌های اصلی شکل‌دهنده بنا: تأثیرپذیری‌های آن از معماری گذشته ایران را مشخص می‌کند. در حقیقت شناختی که از اول فکر تا آخر عمل را در مورد موزه ایران باستان هدف قرار می‌دهد و حاصل آن فهم بنا به‌عنوان یک اثر شاخص است. در سیر از اندیشه تا کالبد چند عامل بنیادی مورد توجه است: شکل زندگی، فعالیت و کاربری تعریف‌شده برای بنا، محیط و بستر شکل‌گیری موزه، نیت و اندیشه معمار از یک سو و از سوی دیگر فرم، وظیفه و ساختار، عناصری که تمامت آن‌ها حاصل اندیشه و بنیان‌های کالبد است.

۱. این مقاله مقتبس است از پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته معماری - گرایش معماری داخلی، با عنوان «ساماندهی و بهسازی معماری داخلی موزه ملی ایران - سالن نمایش آثار موزه ایران باستان» به راهنمایی سرکار خانم دکتر نادیه ایمانی است.

۲. عضو هیئت علمی دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) n.ziashahabi@art.ac.ir

۳. دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر، تهران، ایران. imani@art.ac.ir

موزه‌ی ایران باستان؛ نخستین مأمین آثار تاریخی ایران

در دوره‌ی پهلوی اول به سفارش و خواست حکومت مجموعه‌ای از بناها در تهران و چند شهر دیگر شکل گرفت که در معماری آن‌ها دو ویژگی بارز به چشم می‌خورد: نخست توجهی بود که رضاشاه، به‌عنوان کارفرمای اصلی، به تاریخ باستانی ایران داشت.^۲ رضاشاه به‌نوعی قاجاریه را عقب‌مانده می‌دانست و افتخار و اقتدار ایران را در دوران باستان می‌جست. در نتیجه تاریخ ایران باستان در کانون توجه قرار گرفت و بنا بر آن نهاده شد که الهام‌بخش طراحان و معماران در ساخت بناهای نوین باشد. دودیدگر رغبتی بود به اخذ و اقتباس جنبه‌هایی از تمدن غرب، توجه به ویژگی‌های خاص قرن بیستم در ساخت‌وسازهای مدرن و شرایط خاص آن از نظر فناوری ساخت، فرم و نگرش به‌سادگی که این همه پاسخ‌گوی نیازهای جدید ایران - بر آن امید که ایران هم‌تراز غرب شود و به هیئت کشوری مترقی درآید - می‌توانست بود. از طرف دیگر توجه به جلوه‌های ترقی و همچنین اصلاحاتی که در کشور همسایه، ترکیه، جریان یافته بود سبب شد که رضاشاه نیز خواستار ترقی ایران و قرار گرفتن آن در رده کشورهای پیشرفته جهان شود؛ بنابراین کوشید برای هویت بخشی به حکومت پهلوی با بهره‌گیری از تحصیل‌کردگان خارج از کشور مظاهر تمدن غرب را با تأکید بر فرهنگ و تمدن ایران باستان در قالب ادبیات و هنر رواج دهد. بدین ترتیب دستورالعمل‌های دولت در القای این سیاست در کلیه ابعاد فرهنگ و هنر گسترش یافت و حفظ میراث فرهنگی و تشویق و ترویج هنر در برنامه‌های نوسازی پهلوی اول، مورد توجه و تأکید خاص قرار گرفت. چنین بود که زمینه را برای تأسیس انجمن آثار ملی در سال ۱۳۰۴ فراهم شد. در اساسنامه‌ی اولیه‌ی این انجمن نخستین برنامه‌ها بدین شرح ذکر شده است:

۱. تأسیس یک موزه در تهران (که بعدها بانام موزه ایران

باستان افتتاح شد)

۲. تأسیس یک کتابخانه (که بانام کتابخانه ملی در ضلع

شمالی موزه بنا گردید)

۳. ثبت و طبقه‌بندی آثاری که حفظ آن‌ها به‌عنوان آثار

ملی لازم است.

۴. صورت برداشتن از مجموعه‌های نفیس مربوط به

کتابخانه یا موزه که در ایران در تصرف دولت یا مؤسسات

ملی است (مصطفوی، ۱۳۲۶: ۳۸۶ و کیانی، ۱۳۸۳: ۵۸).

با تصویب قانون عتیقات در ۱۲ آبان ۱۳۰۹ و آئین‌نامه

آن در آبان ۱۳۱۱، در این قانون مقرر شده بود که قسمتی

از آثار کشف‌شده در حفاری‌های باستان‌شناسی در موزه

نگهداری شود. به همین جهت و به‌منظور اجرای قانون حفظ

آثار ملی، دولت عزم خود را بر احداث موزه در تهران جزم

نمود. سرانجام علی‌اصغر حکمت، در زمان وزارت خود فکر

ساختن موزه را به عمل رساند. بلدیة تهران بخشی از اراضی

میدان مشق سابق واقع در ضلع شرقی خیابان قوام‌السلطنه

را برای تأسیس موزه به اداره معارف واگذار نمود. دستور

شروع ساخت ساختمان را علی‌اصغر حکمت به تاریخ ۲۱

اردیبهشت سال ۱۳۱۳، رسماً به آندره گدار^۳ ابلاغ کرد و در

همان سال نیز عملیات ساختمانی آغاز شد (زاهدی، ۱۳۸۷:

۱۳۴) که هم‌زمان بود با افزایش عمران شهری و شکل‌گیری

ساختمان‌های مهم دولتی در تهران.

در شکل‌گیری ساختمان‌های مهم دولتی در دو دهه

نخست قرن حاضر با توجه به شرایط و زمینه‌های اجتماعی،

سیاسی و فرهنگی و گام‌هایی که برای تبدیل ایران به

کشوری «نوین» و مترقی برداشته می‌شد، این پرسش مطرح

بود که معماری این مجموعه از بناهای جدید به‌عنوان نمادی

از «ایران نوین» چگونه می‌بایست تصویر شود؟ آیا می‌بایست

در تداوم گذشته باشد؟ همگام با غرب و الگو گرفته از

شکل گیرد؟ یا با ایجاد گرایش‌هایی تازه؟ این پرسش از

شکل معماری بناها جدید در شرایطی مطرح می‌شد که

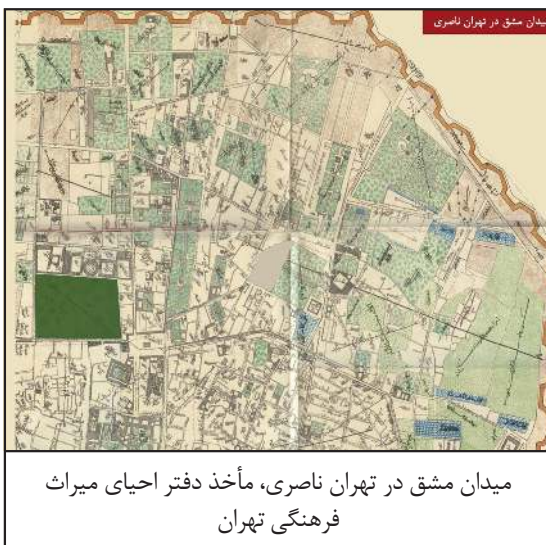
آموزش معماری در ایران همچنان نظام استادی - شاگردی

داشت. معماران ایرانی تبحر در ساخت را نسل به نسل از

وزارت امور خارجه، دادگستری و شهرداری لازم‌ه حکومت کشوری مترقی بودند درحالی‌که موزه نشانه آن است. سایر بناها نقشی حکومتی-اداری داشتند و موزه نقشی فرهنگی-آموزشی در شناخت و معرفی تاریخ گذشته ایران به جامعه آن روز بر عهده داشت؛ بنابراین معماری بنای اولین موزه ایران، می‌بایست خصوصیات منحصربه‌فردی می‌داشت که به‌غیراز فراهم ساختن مکانی امن برای نگهداری و نمایش اشیاء گران‌بهای تاریخی، نمادی باشد از ایران مترقی باسابقه کهن تاریخی.

میدان مشق: بستر و محیط موزه ایران باستان

برای تأسیس موزه ایران باستان محلی در بخش غربی میدان مشق که سابقاً محوطه‌ای نظامی و برای مدت کوتاهی نیز به باغ ملی اختصاص یافته بود، در نظر گرفته شد. میدان مشق از میدان‌های تاریخی تهران با تاریخچه‌ای از مسائل نظامی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و هنری است. این میدان از شمال به خیابان سرهنگ سخایی، از جنوب به خیابان امام خمینی، از شرق به خیابان فردوسی و از غرب به خیابان سی تیر محدود می‌شود. هسته اصلی میدان^۵ در اوایل دوران قاجار به‌عنوان



استادکاران کسب می‌کردند اما از کاربری و عملکرد بناهای جدید دولتی آگاهی نداشتند، از طرفی با توجه به شتابی که برای ساخت جامعه‌ای مترقی از جانب حکومت وجود داشت پاسخ به چنین پرسشی آسان نمی‌نمود. راهکار این مسئله را در بناهای ساخته‌شده در دوره پهلوی اول می‌توان یافت، بناهایی که طراحی و ساخت آن‌ها با دستورالعمل خاص حکومت و به دست معماران تحصیل کرده در غرب سپرده شد. البته توجه به این مسئله نیز حائز اهمیت است که در شکل‌گیری مجموعه بناهای نوین مهارت معماران ایرانی در فن ساخت نیز تأثیر بسزایی داشته است.

بدین ترتیب به سفارش حکومت بناهایی چون ساختمان پست، وزارت امور خارجه، کاخ شهرداری، دادگستری و موزه ایران باستان شکل گرفتند. شاید بتوان چنین اظهار داشت که رویکردهای متفاوتی در هر یک از این بناها برای جلوه دادن ایرانی مترقی با تاریخی کهن وجود داشت، اما به‌طور کلی بیشتر آن‌ها بر اساس نوعی گرایش ملی‌گرایانه، با الهام از معماری ایران باستان (ایران پیش از اسلام) طراحی و ساخته‌شده‌اند و تلاش شده است که برخی از ویژگی‌های معماری سنتی ایران و عناصری از معماری دوران باستان در این بناها مورد توجه و استفاده قرار گیرد که در اکثر منابع مطالعاتی با عنوان «سبک ملی»^۴ از آن یاد شده است.

با توجه به زمینه‌های شکل‌گیری بناهایی که به سفارش حکومت ساخته شدند، موزه ایران باستان در میان مجموعه بناهای دولتی دوره پهلوی اول که هرکدام یادگاری بارز از معماری معاصر ایران است، به چند دلیل می‌تواند جایگاه خاصی داشته باشد که آن‌ها از سایر بناهای هم‌عصر خود متمایز سازد: نخست توجه به آنکه موزه ایران باستان اولین موزه ایران است و پیش از آن موزه‌ای در ایران ساخته نشده بود. دوم توجه به آنکه موزه مأمنی بود برای حفاظت و نمایش آثار تاریخی و ملی ایران که به‌تازگی به‌عنوان میراث ملی حفاظت از آن‌ها مورد توجه قرار گرفته بود؛ و نکته مهم دیگر آنکه سایر بناهای هم‌عصر موزه ایران باستان مانند

ملی به طراحی آندره گدار و با همکاری ماکسیم سیرو شکل گرفتند. ساختمان کتابخانه ملی از آخرین اقدامات در دوره پهلوی اول در مجموعه میدان مشق است.^۷

بدین وصف محل قرارگیری ساختمان موزه ایران باستان به نحو سنجیده‌ای در نقطه‌ای از شهر تعیین شد که از تمام نقاط قابل دسترسی باشد. گذشته از آن موزه ایران باستان در کنار سایر ادارات دولتی مستقر در میدان مشق، مجموعه‌ای را شکل دادند که در برنامه نوسازی تهران و تبدیل آن به پایتخت کشوری امروزی در نظر گرفته شده بود و امروز به یکی از جذاب‌ترین فضاهای تاریخی شهر تبدیل شده است.

معماری موزه ایران باستان

شکل‌گیری موزه ایران باستان^۸ به نوعی ثمره لغو امتیازنامه‌های بی‌قیدوشرط باستان‌شناسان فرانسوی و تصویب قانون عتیقات است که ایده آن در زمان وزارت علی‌اصغر حکمت شکل گرفت و طراحی موزه به آندره گدار، معمار و باستان‌شناس فرانسوی، واگذار شد. ساختمان موزه در سال ۱۳۱۳ با معماری حاج عباسقلی معمارباشی و استاد مراد تبریزی آغاز و سال ۱۳۱۶ به پایان رسید.^۹ ریزه‌کاری‌های داخلی از قبیل نصب ویتترین‌ها، چیدن اشیاء، تهیه زیرنویس برای آن‌ها و سایر موارد فنی نیز دو سال طول کشید و موزه رسماً در سال ۱۳۱۸ افتتاح شد؛ اما گشایش موزه جهت بازدید عمومی به‌طور آزاد بر اثر پیش آمدن جنگ جهانی دوم و حوادث ناگواری که در ایران رخ داد تا اوایل سال ۱۳۲۳ به تعویق افتاد (مصطفوی، ۱۳۲۶: ۴۲).

ساختمان موزه ایران باستان در سه بخش اصلی طراحی شده است. بخش اول ایوان ورودی و فعالیت‌های جنبی موزه در طرفین آن، شامل یک کتابخانه (ضلع شرقی) و به قرینه آن یک تالار سخنرانی (ضلع غربی) است. بخش دوم فضای نمایشگاهی موزه است شامل دو سالن اصلی در طبقه همکف و اول. اتاق سرپرست موزه نیز در طبقه همکف قرار دارد. این طبقه به‌واسطه پلکانی در شرق و غرب فضای



محلی برای حفاظت و دفاع از شهر در قالب پادگانی نظامی شکل گرفت. باگذشت زمان همراه با رشد جمعیت و توسعه شهر قدیم پادگان نظامی در مرکز شهر جدید قرار گرفت و چندین دوره تغییر و توسعه را در دوران قاجار پذیرا شد. در دوره پهلوی اول تا مدتی به‌رسم عملکرد قدیم تمرین نظامی در این میدان انجام می‌شد. در نخستین سال‌های حکومت پهلوی اول میدان مشق به باغ ملی تبدیل شد. بعدها از فضای باز میدان برای احداث بناهای دولتی استفاده شد.^۶ سال ۱۳۱۲ خورشیدی با احداث ساختمان وزارت امور خارجه و پس‌از آن موزه ایران باستان باغ ملی برجیده شد و فقط نامی از آن بر منطقه باقی ماند (شهریور، ۱۳۸۲: ۶۵ و ۶۶). به‌مرور در فاصله سال‌های ۱۳۰۱ تا ۱۳۱۷ خورشیدی در بخش شرقی میدان مشق ساختمان‌های اداره پست به طراحی نیکلای مارکوف، مارگار گالستیانس الگال و مظلومیان (۱۳۱۳-۱۳۰۷ خورشیدی)، کاخ شهربانی به طراحی قلیچ باغلیان (۱۳۱۶-۱۳۱۱ خورشیدی)، اداره ثبت‌اسناد و املاک کشور به طراحی میرزا علیخان (۱۳۱۴-۱۳۱۳ خورشیدی) و در بخش غربی میدان مشق ساختمان‌های کاخ وزارت امور خارجه به طراحی گابریل گورکیان (۱۳۱۸-۱۳۱۲ خورشیدی)، موزه ایران باستان به طراحی آندره گدار (۱۳۱۶-۱۳۱۳ خورشیدی) و کتابخانه

دوم به ساختمان جدید بوده است که این امر باعث تغییر عمده در شرایط نمایش موزه ایران باستان شد. گذشته از آن هریک از بخش‌های موزه ایران باستان در طی دوره‌های زمانی دستخوش تغییرات بسیاری شده است. تاریخچه‌ی موزه را به اجمال در جدول شماره‌ی یک نمودار می‌توان ساخت.

گذار نخست ساخت موزه‌ای بزرگ را در نظر داشت و بر آن بود که از فضای باغ ملی برای ورودی آن استفاده کند اما شهردار وقت به این دلیل که این طرح نابودی باغ ملی را در پی دارد جلوی ادامه‌ی کار را گرفت. این بود که نقشه‌ی اولیه تغییر یافت. در طرح جدید زیربنای موزه به اندازه زیادی کاهش یافت به طوری که تنها می‌توانست جوابگوی تعداد محدودی از اشیاء باشد. آندره گذار به‌عنوان مدیر عتیقات نامه‌ای به وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه نوشت مبنی بر آنکه زمین مزبور تنها برطرف‌کننده نیازهای فعلی بوده و برای سال‌های آتی غیر مکفی است. وی در این نامه ذکر کرده بود که با توجه به هزینه‌های صورت گرفته بهتر است زمین وسیع‌تری در نظر گرفته شود که بنا به دلایلی موردتوجه قرار نگرفت و ساخت بنای موزه را آغاز کردند (زاهدی، ۱۳۸۷: ۱۳۵).

مطابق نقشه گذار محوطه مقابل سر در اصلی موزه می‌بایست به باغچه و میدان مناسبی تبدیل می‌گشت. هدف از این طرح آن بود که نمای اصلی موزه در خیابان سپه (امام خمینی) پدیدار و عمارت موزه از حالت مستوری بیرون آید در نتیجه موزه آن‌طور که باید موردتوجه مردم قرار گیرد و سبب افزایش مراجعین به موزه شود. از موارد دیگر برای جلب‌توجه مردم به موزه ایران باستان و تشویق آنان در بازدید از موزه امکانات ویژه‌ای چون در نظر گرفتن وسایل طراحی و عکاسی برای بازدیدکنندگان و برای آن دسته که تمایل به دیدن اشیاء بیشتری داشتند امکان مراجعه به بخش پژوهشی و بررسی دقیق‌تر اشیاء بود (صمدی، ۱۳۳۲: ۴۴۱). با توجه به شرایط اجتماعی و امکانات موزه‌ای در سال‌های

ورودی به طبقه اول می‌رسد. در طبقه اول به‌غیراز سالن نمایش برابر با همکف، دو تالار نیز در ضلع جنوبی طبقه اول قرار دارد که برای نمایشگاه‌های موضوعی یا عملکردهای خاص در نظر گرفته شده است؛ و در نهایت بخش سوم قسمت شمالی ساختمان موزه است که به بخش اداری اختصاص یافته است و شامل ۴ طبقه می‌شود که به دور حیاط مربع شکلی در جبهه جنوبی، شرقی و غربی شکل گرفته است و فرم نعل اسبی دارد، طبقه اول برای مدیریت و واحدهای اداری مربوط به آن و طبقات دوم تا چهارم هرکدام به یکی از بخش‌های موزه (عکاسی، ساماندهی، پیش‌ازتاریخ، تاریخی و لرستان) اختصاص داده شده است. ساختمان موزه دارای زیرزمینی است که اکنون قسمت جنوبی آن بخش خدمات و بقیه فضای زیرزمین برای انبار اشیاء خاص استفاده می‌شود. در کل ساختمان موزه را می‌توان در یک مستطیل کشیده شمالی- جنوبی به ابعاد تقریبی ۱۰۰ × ۴۰ متر محاط کرد که در آن برای روشنایی سالن‌های اصلی دو حیاط مرکزی با ابعاد تقریبی ۱۶ × ۱۶ متر در نظر گرفته شده است. علاوه بر آن بر دوجداره شرقی و غربی سالن نمایش در طبقه همکف بازشوهایی در نمای ساختمان در نظر گرفته شده است.

نمای موزه ایران باستان پوشیده از آجر قرمز رنگ در جبهه جنوبی با تأکید بر فرم ایوان ورودی است به همراه آجرکاری زیبایی در ستون‌های جفتی که با تناسب خاصی در بدنه شرقی و غربی نیز تکرار می‌شود. تمامی بازشوهای نمای ساختمان در قسمت اول و دوم چوبی است. نمای قسمت سوم که مربوط به بخش اداری می‌شود ساده و بیشتر متأثر از معماری مدرن است. نمایی آجری با بازشوهای فلزی سفید رنگ.

تقسیم‌بندی نمایش آثار در فضای داخلی موزه در طرح اولیه بدین شرح بوده است؛ طبقه اول نمایش اشیاء دوران پیش‌ازتاریخ، تاریخی و لرستان و طبقه دوم برای نمایش آثار دوران اسلامی در نظر گرفته شده بود. از مهم‌ترین تغییرات موزه در طی سالیان، انتقال بخش دوران اسلامی از طبقه

جدول ۱. تاریخچه موزه ایران باستان از زمان برنامه‌ریزی ساخت تا طرح بازسازی سال ۱۳۸۴

پیشنهاد وضع قانون عتیقات (حفظ آثار ملی)، استخدام آندره گدار به‌عنوان مدیر باستان‌شناسی	۱۳۰۶	موزه ملی ایران در گذر زمان
واگذار کردن تهیه نقشه ساختمان موزه به آندره گدار	۱۳۰۸	
شروع ساخت موزه تهران	۲۱ اردیبهشت ۱۳۱۳	
پایان ساخت - انتقال اشیاء از محل ساختمان عمارت مسعودیه به موزه ایران باستان	۱۳۱۵-۱۶	
تنظیم اشیاء موزه - افتتاح موزه و کتابخانه ملی	۱۳۱۸	
طرح ساختمان جدید مجاور (موزه دوران اسلامی)	۱۳۲۰	
افتتاح رسمی موزه برای بازدید عموم	۲۰ خرداد ۱۳۲۳	
شروع ساخت محوطه و فضای سبز رو به روی موزه در ضلع جنوبی	۱۳۲۳	
تکمیل زیرزمین و طبقه همکف، اول و دوم ساختمان دوران اسلامی	۱۳۳۲	
برگزاری نمایشگاه‌های هنری و مردم‌شناسی و هم‌اندیشی‌ها در ساختمان دوران اسلامی	۱۳۳۲-۱۳۵۶	
خریداری ساختمان‌های رو به روی موزه و تبدیل آن به فضای سبز	۱۳۴۰-۱۳۵۰	
ساخت گنجینه ذخایر باستانی	۱۳۵۱-۱۳۵۷	
تعطیلی موزه به‌منظور تعمیرات اساسی	۱۳۵۱-۱۳۵۸	
ادامه تعمیر و نوسازی (تعمیرات کلی، تعویض و نصب تأسیسات جدید حرارتی، سیستم روشنایی، سیستم قفسه‌بندی، افزایش سطح زیربنای کتابخانه، اطراف بنا)	۱۳۵۹-۱۳۶۴	
آغاز فعالیت‌های تعمیراتی و نوسازی ساختمان دوران اسلامی	۱۳۶۸	
انتقال اشیاء از طبقه دوم ساختمان ایران باستان به ساختمان جدید	۱۳۷۴-۷۵	
افتتاح موزه دوران اسلامی	۱۳۷۵	
برنامه همکاری ایران- ایتالیا جهت بازسازی موزه ایران باستان	۱۳۸۴	

نخست فعالیت، موزه ایران باستان در زمره یکی از زیباترین و کامل‌ترین موزه‌های آسیایی قرار داشت (مصطفوی، ۱۳۲۶: ۴۱).

تأثیرپذیری از معماری ایران در موزه ایران باستان

در پیدایش هر اثر معماری، کالبد بنا در حقیقت نمودی است از اندیشه معمار که به تناسب شرایطی چون زمینه‌های شکل‌گیری، محیط و بستر، فعالیت و شکل زندگی تعریف‌شده برای بنا، امکانات و ابزار و شرایط اجرایی به صورت متفاوتی به جلوه درمی‌آید. همان‌طور که اشاره شد ساخت موزه ایران باستان بر عهده آندره گدار، معمار و باستان‌شناس فرانسوی، گذاشته شد. با توجه به زمینه‌های اجتماعی پهلوی اول و الزام کارفرما بر الگو گرفتن از معماری ایران باستان در طراحی بناهای دولتی و عمومی، این پرسش پیش می‌آید که

«در این موزه که ساختمان آن از نظر فنی با تازه‌ترین موزه‌های جهان برابری می‌کند کوشش شده است که به سالن‌ها به‌قدر لازم روشنایی بتابد. در نمایش گذاردن اشیاء دقت شده است که از لحاظ چیدن، اتیکت گذاری، مقدار آثار، تناسب اشیا با یکدیگر و پایه‌های آن‌ها حداکثر رغبت و علاقه ناظرین را جلب نماید. برای جلوگیری از خستگی تماشاکنندگان از تمرکز قفسه‌ها و انباشتن اشیاء زیاد در آن‌ها صرف نظر شده است [...] به جرئت می‌توان گفت که در بیشتر موزه‌های بزرگ دنیا این وسایل و مزایا پیش‌بینی نشده

گذار چه درکی از معماری گذشته ایران داشته است و چگونه آن را در کالبد موزه به منصف ظهور رسانده است؟
آندره گدار یکی از مهم‌ترین و درعین حال بانفوذترین معماران خارجی در ایران بود که به‌مراتب حضوری فعال‌تر از سایر آن‌ها داشت. او در سال ۱۳۰۶ به ایران آمد. سال ۱۳۰۸ با توجه به سابقه درخشان تحصیلات معماری با گرایش باستان‌شناسی خاورمیانه و ایران در دانشکده هنرهای زیبای پاریس، به‌عنوان رئیس اداره عتیقات ایران انتخاب شد (بانی‌مسعود، ۱۳۸۸: ۱۹۴). به غیر از فعالیت‌های مربوط به انجمن آثار ملی، اداره عتیقات و موزه ایران باستان، گدار مجله آثار ایران را پایه‌گذاری کرد که در آن نتایج تحقیقات خود و دیگر پژوهشگران را در ارتباط با معماری، میراث باستانی و هنری ایران منتشر می‌کرد. در نتیجه این اقدام شناخت او از تاریخ هنر و معماری ایران عمیق‌تر شد. از دیگر فعالیت‌های گدار در ایران می‌توان به تجربه بازسازی بناهای باارزشی چون مساجد اصفهان و بنیان‌گذاری و ریاست



ایوان ورودی و فضای سبز مقابل موزه ایران باستان، ۱۳۸۹



نمای موزه ایران باستان در سال‌های نخست افتتاح آن - مأخذ آرشیو عکس موزه ایران باستان

گذشته ایران در ذهن آن‌هاست.^{۱۲} قسمت دوم طرح، سالن‌های موزه در دوطبقه به صورت مستطیلی کشیده است با پنجره‌های بسیار در نمای همکف و قسمت سوم طرح، بخش اداری موزه است که در طراحی آن بیشتر از معماری مدرن الهام گرفته شده است. از نظر فعالیت و شکل زندگی نیز این سه بخش از یکدیگر متمایزند. قسمت اول پذیرش و معرفی موزه، قسمت دوم نمایش آثار باستانی و قسمت سوم بخش اداری و پژوهشی موزه را تشکیل می‌دهد.

این سه قسمت از نظر سیستم ساختمانی نیز مجزا هستند. قسمت اول، ورودی ساختمان در جبهه جنوبی شامل یک طبقه همکف و یک طبقه بالایی است. قسمت دوم، سالن‌های موزه شامل یک طبقه زیرزمین و دوطبقه در بالاست؛ و قسمت سوم، بخش اداری در جبهه شمالی شامل یک زیرزمین و ۴ طبقه در بالاست. پشت‌بام و سقف‌های طبقات مختلف به وسیله دیوارهای باربر آجری (داخلی و خارجی) و ستون‌هایی از بتن‌آرمه نگه‌داشته می‌شود. پوشش سقف طبقات موزه ایران باستان طاق ضربی است که در دوران ساخت موزه فن جدیدی در امر ساختمان بوده است. نکته مهم در مورد پوشش سقف سالن موزه، توجه به حیاط‌های داخلی است. به نظر می‌رسد برای فراهم آوردن شرایط بهینه نمایش و قرارگیری ویتترین‌ها در سالن موزه، ساخت فضایی وسیع بدون دیوار باربر یا ستون در میان آن مدنظر گذار بوده است. برای محقق شدن این امر با توجه به فن‌های ساختمانی آن زمان، بهترین راه حل استفاده از حیاط‌های داخلی بوده است. وجود حیاط‌های داخلی علاوه بر تأمین نور طبیعی در سالن نمایش و نقش مهم در تهویه و گردش هوای داخل سالن برای اجرای سقف طاق ضربی با دهانه مناسب سالن موزه نیز راهکار مناسبی بوده است.

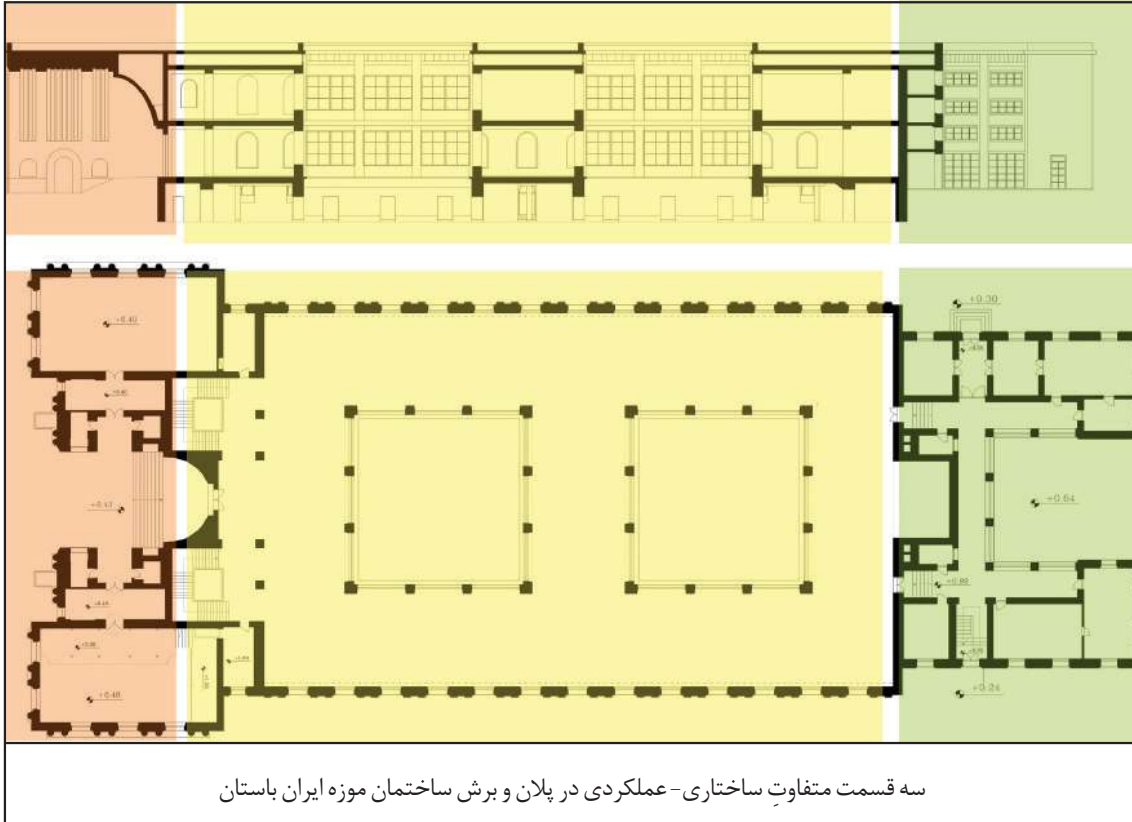
شاخص‌ترین بخش در طرح موزه ایران باستان ایوان ورودی با طاق بزرگی است که بخش اعظم نمای جنوبی، ورودی موزه را دربر می‌گیرد و در طی زمان به نماد و نشان موزه تبدیل شده است. ایوان ورودی موزه ایران باستان در

دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران اشاره کرد.^{۱۰} بنابراین حضور بیش از سه دهه در ایران و در اختیار داشتن امکاناتی که برای هرکس در آن مقطع زمانی وجود نداشت، گذار را به یکی از صاحب‌نظران هنر و معماری ایران تبدیل کرد. بی‌شک سابقه فعالیت‌ها و مطالعات گذار در تصویر معماری و زبان طراحی موزه ایران باستان به عنوان یکی از شاخص‌ترین آثار او نقش بسزایی داشته است.^{۱۱} دیدگاه وی نسبت به دوره‌های تاریخی هنر این سرزمین، دیدگاه پژوهشگری است که معماری آن را ممتاز، یگانه و در یک سیر تکاملی می‌داند و هیچ‌گونه تفوق سبکی، مگر از دیدگاه تخصصی معماری، به دوره‌های تاریخی ایران ندارد (کیانی، ۱۳۸۳: ۵۵).

«عالی‌ترین هنر ایران، به معنی حقیقی هنر، همیشه معماری آن بوده است. این برتری نه تنها در دوره هخامنشیان، پارت‌ها و ساسانیان که آثار ساختمانی‌شان را می‌شناسیم محقق است، بلکه در مورد دوره اسلامی ایران نیز صادق است. شاید معماری قدیم ایران است که در شکل جدیدش به بهترین و صحیح‌ترین وجهی معماری اسلام را از نظر هنری و طرز تأثیرش بر تمدن کهن ایرانی به ما می‌شناساند.» (گذار، ۱۳۷۷: ۱۳۴ و کیانی، ۱۳۸۳: ۵۵).

تأثیر این تفکر را می‌توان در ترکیب کلی و نحوه چیدن آثار در موزه ایران باستان مشاهده کرد. گذار مسیر اصلی فضای داخلی موزه را از اشیاء پیش از اسلام و اسلامی، بدون انقطاع در سالن نمایش آثار سامان داد، با توجه به حجم آثار، طبقه همکف برای نمایش آثار پیش از اسلام و طبقه اول برای آثار دوران اسلامی در نظر گرفته شد.

ساختمان موزه ایران باستان با طولی در حدود ۱۰۰ متر و عرضی در حدود ۴۰ متر از تسلسلی سه‌قسمتی در فرم، کارکرد و ساختار تشکیل شده است. از نظر فرم، اولین قسمت در طرح موزه، ایوان و طاق بزرگ ورودی است. مهم‌ترین ویژگی این قسمت که اولین بخش در مواجهه بازدیدکنندگان با بنای موزه ایران باستان است، یادآوری تصویری از معماری



کاروانسراها» (دفتر تعاون وزرات امور خارجه ایتالیا ۱۳۸۵، ۱۷۲). نکته دیگری که در اینجا توجه به آن لازم است نقش ایوان در توالی فضاهای باز، نیمه‌باز و بسته در معماری ایران است. در حقیقت ایوان فضای واسطی است که درون را به برون پیوند می‌زند. با توجه به این مطلب و تعریفی که در آن سال‌ها از موزه به‌عنوان کاخی برای مردم بوده است^۴، شاید بتوان چنین نتیجه گرفت که وجود ایوان ورودی در موزه ایران باستان از نظر مفهومی برداشتی از معماری ایرانی به‌عنوان فضای واسط درون و برون است.

گذشته از تأثیرپذیری در مفهوم ایوان، با توجه به مطالعات منتشرشده از گذار در جلد دوم نشریه‌ی آثار ایران، طاق به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین فنون ساخت‌وساز در معماری ایران موردتوجه او بوده است. گذار در این شماره از نشریه به تشریح فن سنتی اجرای طاق و جزئیاتی از ساخت

مقایسه با سایر قسمت‌های موزه بارزترین تأثیرپذیری را از معماری گذشته ایران دارد و فرم کلی آن بیش از هر چیز یادآور ایوان مدائن است. با توجه باسابقه مطالعه و شناختی که گذار در طی سال‌ها از معماری و هنر ایران پیدا کرده بود به نظر می‌رسد طراحی ورودی موزه به‌صورت ایوان با طاقی بلند فراتر از بهره‌گیری نمادین از معماری ساسانی و طاق کسری باشد.

کارلو لاتوره^{۱۳}، پژوهشگر ایتالیایی، در مطالعات خود در مورد موزه ایران باستان به علاقه گذار در ارتباط میان عناصر کاربردی و نمادین معماری ایران اشاره می‌کند: «گذار به ارتباط نمای ساخت‌وساز و همچنین عناصر کارکردی و نمادینی که در معماری ایرانی جایگاه ویژه‌ای دارد، علاقه نشان می‌دهد که همواره در بناهایی با اهداف مختلف حضور داشتند: کاخ‌ها، خانه‌ها، مساجد، مدارس، امامزاده‌ها،



آجرکاری نمای موزه ایران باستان، ۱۳۹۰

و تزئینات تکمیل می‌شود. قرارگیری قوس‌ها و نیم‌ستون‌ها، آجرکاری، توازن میان فرورفتگی‌ها و برجستگی‌های نمای ساختمان و بازی میان نور و سایه، همچنین استفاده از آجر برای پوشش کل نمای موزه ایران باستان و کاشی‌های لعاب‌دار آبی‌رنگ برای دریچه‌های مشبک هواکش در فاصله میان سقف دوپوسته سالن، همگی عواملی هستند که معماری اصیل ایران را در ذهن تداعی می‌کند.

اما نکته مهمی که باید مورد توجه قرار گیرد، این پرسش است که به‌غیر از تجربه در بازسازی بناهای تاریخی و شناخت و مطالعه گذار از معماری گذشته ایران چه عامل مهم دیگری در ساخت موزه ایران باستان سبب موفقیت او در ساخت بنایی شده است که این چنین با معماری ایرانی پیوند برقرار می‌کند؟

همان‌طور که اشاره شد گذار به واسطه سابقه کار و تحصیلاتش، معماری ایران را می‌شناخت، اما نقش او در

ایوان ورودی موزه ایران باستان اشاره می‌کند: «پیش‌تر از این قوس‌ها در سازه‌های روستایی صحبت کرده‌ام. گفته‌ام که این گنبدها را به دو طریق یکی با آجرچینی، میان قوس‌ها نزدیک به هم و دیگری بر روی تخته چوب‌های خمیده ضخیم می‌سازند [...] در موزه تهران که ایوان ورودی‌اش کمان‌های جانبی نسبتاً نزدیک دارد که بر روی اسکلت قوس ساخته شده‌اند، توانستم آجرچینی فضاهای خالی بین کمان‌ها را اجرا کنم و به‌صورت اتصال شعاعی تا اوج طاق آن را ادامه بدهم» (گذار ۱۳۷۱: ۳۳۹-۳۴۳ و لاتوره، ۱۳۸۵: ۱۷۳) بنابراین مشخص می‌شود در موزه ایران باستان نیز ایوان از نظر فن ساختمانی نقشی را ایفا می‌کند که در معماری اصیل ایران داشته است و باعث پخش باربر روی دیوارهای جانبی با ساختاری مرکب از قوس‌های کوچک و متقارن می‌شود.

تأثیرپذیری فرمی، مفهومی و ساختاری از معماری اصیل ایران در موزه ایران باستان با توجه معمار به جزئیات



جبهه شرقی ایوان ورودی موزه ایران باستان، ۱۳۸۹

موزه ایران باستان، نموداری ممتاز و برجسته از درک امکان تداوم معماری ایرانی

حاصل سخن آن که از دیرباز معمار ایرانی با نگاه به سلف خود و آموختن از وی توانست پیکره‌ی واحدی را از معماری در طول تاریخ پدید آورد. درک زیبایی حجم و آراستگی درون و برون، متکی بر فن ساخت و حفظ ارزش‌های هر عصر و انتقال آن به عصری دیگر اصل جدایی‌ناپذیر معماری ایران و تضمین ماندگاری آن شد. سیری در مجموعه بناهای گذشته گواه مستدلی است که معماری ایران از آن معمارانی است که خوب می‌دانند برای کجا و چه دوره‌ای طراحی می‌کنند. در بناهای آغاز پهلوی اول نیز ته رنگی از این امر قابل‌بازایی است از این‌رو در مجموعه بناهایی که به سبک به اصطلاح ملی ساخته شده‌اند، در مقام الگو گرفتن از اصول و عناصر معماری گذشته‌ی ایران دو رویکرد متفاوت را می‌توان تمیز داد. یکی رویکردی که اثر آن را در بناهایی می‌توان دید که در ساخت آن‌ها صراحتاً عناصر و نشانه‌های معماری ایران باستان را به کار گرفته‌اند. از جمله‌ی این عناصر و نشانه‌هاست: ستون‌ها، سرستون‌ها، نعل درگاه‌ها و برخی حجاری‌های تخت جمشید. نمونه بارز آن کاخ شهربانی است. دودیکر رویکرد طراحی است که بی‌آنکه از فرم و نمادهای مختلف بناهای گذشته تقلید کنند، از گذشته‌ای نشان دارند که به حال پیوسته است و رو به افق آینده دارد، مانند موزه‌ی ایران باستان.

در میان بناهایی که در راه نوسازی تهران و تبدیل آن به پایتخت کشوری نوین با سابقه‌ی تاریخی درخشان شکل گرفته، به‌غیر از تفاوت رویکرد در الگو گرفتن از معماری گذشته ایران، موزه‌ی ایران باستان از جهات دیگری نیز منحصر به فرد است. به‌ویژه از آن جهت که ماهیت موزه‌ی ایران باستان، بنیان‌های شکل‌گیری و هیئت معماری آن را به هم پیوند زده است. همان‌طور که سخن رفت موزه‌ی ایران باستان در پی تصویب قانون حفظ عتیقات و میراث ملی بنیاد نهاده شد. موزه ایران باستان به‌عنوان موزه نشانگر رسیدن

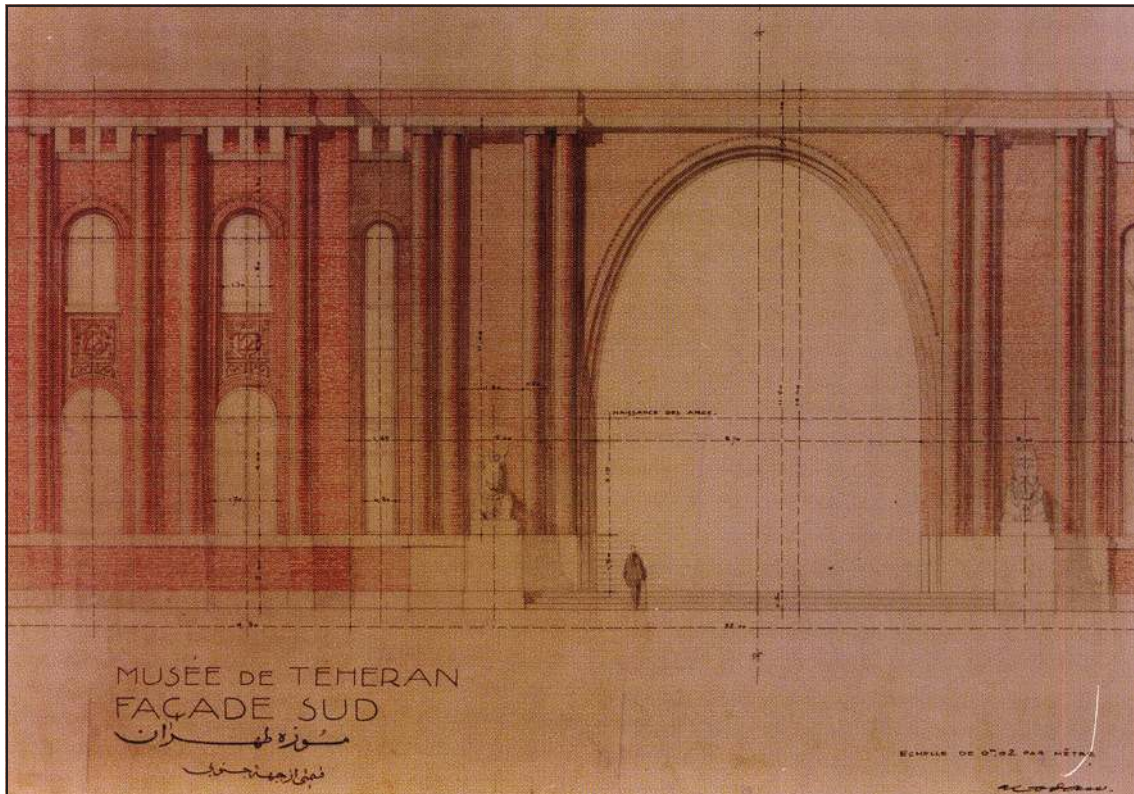


ایوان مدائن - مأخذ پرویز رجبی، ۱۳۵۵، ص ۴۸



خانه‌ای نزدیک یزد، از طرح‌های گذار - مأخذ مطالعات بازسازی موزه ایران باستان، ۱۳۸۵، ص ۱۷۳

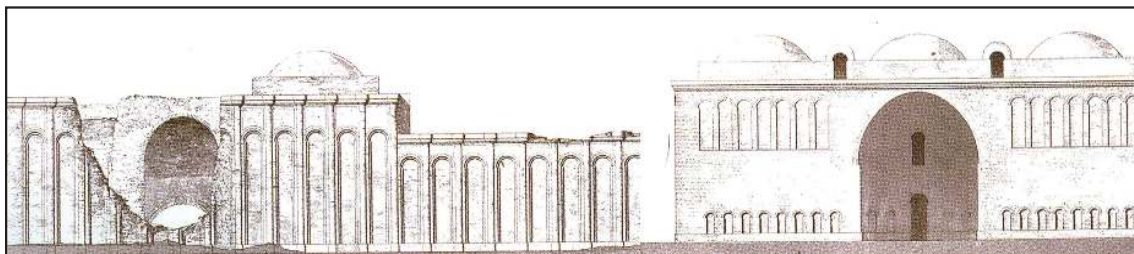
طراحی و ساخت موزه ایران باستان به‌عنوان مهندس معمار و طراح موزه بوده است. در این میان نقش دو معمار ایرانی، حاج عباسقلی معمارباشی و استاد مراد تبریزی را که ساخت موزه را بر عهده داشتند نمی‌توان نادیده گرفت. آشنایی گذار با شکل زندگی و عملکرد بنا و شناخت او از معماری ایرانی در طراحی بنا با دانش، فن، تجربه و تبحر معماران ایرانی در ساخت موزه ایران باستان مجموع عوامل لازم برای شکل‌گیری چنین اثری را فراهم آورده بود. در حقیقت با تکیه بر دانش تجربی معماران ایرانی بود که طرح گذار با زیبایی هرچه تمام‌تر به اجرا درآمد.



نمای موزه ایران باستان در نقشه ترسیمی گذار - مأخذ آرشیو عکس موزه ایران باستان

باستان و عظمتِ هخامنشیان در کاخ شهربانی یا نمونه‌های مشابه آن تأکیدی بر ماهیت آن نهادِ نوساز ندارد اما در موزه‌ی ایران باستان، تأکید بر گذشته‌ی تاریخی ماهیت بنا را پررنگ‌تر جلوه می‌دهد. در عهد خود موزه در میان نهادهای اداری عهده‌دارِ وظیفه‌ای فرهنگی-آموزشی بود و هم‌اکنون نیز باصلاحت، تاریخ ایران‌زمین را در دل خود نگاه‌داشته و

ایران است به مرتبه کشورهای مترقی، چراکه ایجاد موزه، در عصر خود از لوازم تمدن و فرهنگ مدرن به شمار می‌رفت و کماکان به‌عنوان موزه‌ی ایران باستان از تمدنی کهن باسابقه تاریخی درخشان خبر می‌دهد. این دو - عملکرد بنا و نسبت آن با تاریخ ایران - در هیچ‌یک از بناهای هم‌عصر موزه جمع نیامده است. توضیح آن که به‌عنوان مثال یادآوری تاریخ ایران



کاخ اردشیر اول در فیروزآباد فارس - مأخذ مطالعات بازسازی موزه، ۱۳۸۵: ۱۷۲

تمدن و فرهنگ ایران با طرحی برآمده از معماری مدرن عصر خود و با تکیه بر دانش، فن و تجربه معماران ایرانی ساخته شده است. شاید به همین دلیل باشد که امروز موزه ایران باستان پس از گذشت ۸۲ سال با وجود فرسودگی بنا همچنان به عنوان موزه مادر ایران منحصربه‌فرد، بحث‌برانگیز و ماندگار در تارک معماری ایرانی است.

سپاسگزاری

این مقاله محصول مطالعات بهار، تابستان و پائیز ۱۳۹۰ درباره موزه ایران باستان است. بخش قابل‌توجهی از مطالعات به‌واسطه دسترسی به مدارک فنی و گزارش‌های ساختمانی که در آرشیو موزه ایران باستان نگهداری می‌شود، پیش رفته است. از اولیاء و مسئولان محترم موزه ملی ایران بخصوص سرپرست موزه ایران باستان که نهایت همکاری را با نویسندگان مبذول داشته‌اند سپاسگزاریم.

پی‌نوشت‌ها

۱. نهاده‌ی شدن موزه در ایران با آغاز کار و تأسیس کاخ‌موزه ناصرالدین‌شاه قاجار در کاخ گلستان آغاز می‌گردد (۱۲۹۳-۱۲۹۱ هجری شمسی). ناصرالدین‌شاه دستور داد تا قسمتی از ساختمان‌های سمت شمال کاخ را، از جمله محل موزه قدیمی شاهان قاجار که در آن هدایای خارجی را نگهداری می‌کردند تخریب کنند و اتاق موزه، کتابخانه، سرسرا، حوض‌خانه و سایر ملحقات را بسازند (نفیسی، ۱۳۸۲: ۹).

محل نخستین موزه ملی ایران یکی از اتاق‌های مدرسه دارالفنون بوده است. ۲۷۰ قلم شیء مفرغی، سفالی، شیشه‌ای، سکه، اسلحه قدیمی، مهر، اشیاء چوبی، مرقعات، کتاب و منسوجات در این موزه به‌وسیله کارمندان اداره عتیقات جمع‌آوری و یا توسط مردم به موزه اهدا شده بود. از سال ۱۳۰۴ شمسی به بعد، پس از تملک عمارت مسعودیه، محل موزه نیز به عمارت مسعودیه واقع در میدان بهارستان انتقال یافت و اشیاء آن به تالار آیینی این کاخ منتقل گردید؛ اما هیچ‌یک از بناهایی که به آن‌ها اشاره شد

به نواندیشان ایرانی یادآوری می‌کند. این خود از دو جنبه حائز اهمیت است: نخست تأثیری که از رهگذر معرفی تاریخ، هنر و فرهنگ گذشته بر جامعه می‌گذاشت - جامعه‌ای که با چنین نهادی هنوز ناآشنا بود از طرفی قدم در راه توسعه و پیشرفت نهاده بود - دوم شأن و اعتبار تاریخی ایران را در نظر بیگانگان بالا می‌برد. پیداست که حصول این دو مقصود به میزان زیاد بسته به هنر طراح ساختمان است.

طراح موزه‌ی ایران باستان که هنر معماری و دانش باستان‌شناسی را در خود جمع داشت، گرچه ایرانی نبود، به درک و شناختی شاید منحصربه‌فرد در دوره‌ی خود از معماری گذشته‌ی ایران رسیده بود. وقوف او به لطایف و دقایق معماری ایران از اشاراتی که پیش‌تر در مقام وصف ایوان ورودی موزه رفت، پیداست. از دیگر نکات جالب نظر استفاده از دانش و فن ساختمان‌سازی روز در موزه‌ی ایران باستان است. نمونه آن را می‌توان در نمای آجری موزه مشاهده کرد. انتخاب آجر به‌عنوان پوشش نما در ساختمان موزه، علاوه بر آنکه در القاء حسی از معماری ایرانی به بازدیدکننده مؤثر است، از اولین تولیدات آجر صنعتی در ایران است که به شیوه‌ای امروزی تولید شده است. هم‌چنین شاهد دیگر استفاده از سیستم سازه‌ای طاق ضربی برای پوشش سقف‌هاست که در آن زمان فناوری جدیدی از ساخت بوده است. شاید بتوان چنین گفت که استفاده از تیر آهن و ترکیب آن با فرم طاق برای پوشش سقف به‌نوعی آمیختن شیوه دیرین و مدرن در اجرای ساختمان بوده است که گذار نیز با استفاده از همان شیوه توانست سالن‌های موزه را بدون ستون و دیوار باربر داخلی (به‌غیر از ستون‌های باربر در دیوار حیاط‌های داخلی) بسازد.

در بنای موزه ایران باستان معمار بافهم معماری ایرانی، نه‌تنها از آن در فرم ظاهری بنا بلکه در ساختار و جزئیات نیز بهره برده است. در حقیقت عناصری نمادین و درعین‌حال کاربردی از معماری ایران را در کالبد بنایی به جلوه درآورده که به‌عنوان اولین موزه ایران برای نمایش جلوه‌هایی از تاریخ،

به‌عنوان موزه طراحی نشده بود. گذشته از آن واژه‌ی موزه در عهد قاجار معنایی داشت غیر از معنای مآنوس و متداول در دوره‌ی معاصر؛ بنابراین موزه‌ی ایران باستان را می‌توان اولین موزه‌ای دانست که در ایران طراحی و اجرا شده است.

۲. در این زمینه حضور افراد نوگرا و تحصیل‌کرده‌ای چون محمدعلی فروغی نقش بسزایی در سیاست‌های دولت و همچنین دیدگاه دولتمردان و جامعه ایران نسبت به بازشناسی هنر و معماری گذشته ایران داشت و از میان سخنرانی‌های او در این مورد می‌توان به نطق او در مراسم تاج‌گذاری رضاشاه، خطابه درباره آثار ملی اشاره کرد. مجموعه سخنرانی‌های او به‌صورت کتابی در دو جلد چاپ شده است.

۳. Andre Godard (۱۸۸۱-۱۹۵۶ میلادی برابر با ۱۳۴۴-۱۲۶۰ خورشیدی)

۴. تحول در ساختار و روابط سیاسی، تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در دوره پهلوی اول سه نگرش سبکی متفاوت در معماری دوره پهلوی اول ایجاد کرده بود، معماری سنتی، معماری باستانی بر مبنای تفکری نئونالیستی و ملی‌گرایانه، معماری مدرن (کیانی، ۱۳۸۳: ۲۴۹-۲۵۴)

۵. بنیاد میدان مشق که محل انجام تمرینات نظامی بوده ظاهراً در زمان فتحعلی شاه قاجار نهاده شده است و سپس در دوره ناصرالدین‌شاه بنای آن تجدید و توسعه یافت. بعد از روی کار آمدن رضاخان و تغییر مقر حکومت از کاخ گلستان به کاخ مرمر، از اهمیت و رونق ارگ سلطنتی قاجار کاسته شد. متعاقب این تحولات تغییراتی نیز در محوطه میدان مشق ایجاد شد. با انتقال پادگان‌ها به خارج از شهر تهران محوطه میدان مشق به‌صورت زمینی بایر درآمد و از این زمان به بعد بود که دولت تصمیم به استفاده از این مکان برای ساخت ساختمان‌های اداری و نظامی گرفت (ذکاء و سمسار، ۱۳۶۹).

۶. زمانی که رضاشاه شروع به ساختن بناهای دولتی کرد، در مرکز شهر، شمال غربی کاخ‌های سلطنتی، میدان وسیع و مسطح مشق وجود داشت و رضاشاه می‌توانست با استفاده از این فضای وسیع و آماده بسیاری از بناهای دولتی را در کنار یکدیگر و بافاصله‌های

متناسب بنا کند (رجبی، ۱۳۵۵: ۴۳).

۷. موزه دوران اسلامی نیز در همین محدوده ساخته شده است که ساخت آن از ۱۳۲۲ آغاز شد اما بنا به دلایلی اتمام آن ۴۰ سال طول کشید.

۸. آندره گدار این موزه را موزه تهران می‌نامید، در نقشه ترسیم‌شده از بنای موزه نیز نام آن را موزه تهران ثبت کرده‌اند. پس از افتتاح بانام موزه ایران باستان شناخته شد و زمانی که تصمیم به گسترش موزه و ساخت ساختمان مجاور، موزه اسلامی کنونی، به‌عنوان موزه مردم‌شناسی گرفته شد نام آن به موزه ملی تغییر یافت. پس از انتقال اشیاء دوران اسلامی از طبقه دوم به ساختمان نوساز در سال ۱۳۷۵ این بنا صرفاً به نمایش آثار پیش از اسلام اختصاص یافت و بار دیگر موزه ایران باستان نام گرفت.

۹. تاریخ اتمام ساختمان در متون و همچنین بر اساس کتیبه سردر موزه ۱۳۱۶ شمسی است، اما خبر انتقال اشیاء موزه ملی از عمارت مسعودیه به موزه ایران باستان در سال ۱۳۱۵ نیز آمده است، کما اینکه بر کتیبه در ورودی موزه نیز تاریخ ۱۳۱۵ ثبت شده است.

۱۰. گدار در مقام نخستین رئیس دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، بیش از ۳۰ سال در آموزش معماران ایرانی دخالت داشت. او به کمک محسن فروغی برنامه درسی رشته معماری را بر اساس برنامه مدرسه عالی هنرهای زیبای فرانسه تدوین کرد. پروژه‌ها و مسائل مربوط به آن‌ها از برنامه درسی معماری متداول در مدرسه عالی هنرهای زیبای پاریس (بوزار) ترجمه و به همان شیوه نیز به دانشجویان ارائه می‌شد. برنامه درسی جدید جانشین کارآموزی شد و نظام «کار و تجربه» معماران جای خود را به‌نظام آموزش حرفه‌ای و کسب مهارت داد (معرفت، ۱۳۷۵: ۱۱۴).

از آندره گدار که عهده‌دار تربیت اولین نسل از معماران ایرانی بود تا مدت‌ها به‌عنوان «پدر این مجموعه» یاد می‌شد.

۱۱. به‌غیراز موزه ایران باستان دیگر طرح‌های اجرا شده گدار در ایران کلاه‌فرنگی حافظیه در شیراز، مدرسه ایرانشهر در یزد و موزه آذربایجان در تبریز است.

۱۲. با استناد بر تجربه ۱۸ ماه حضور در موزه ایران باستان،

آموزش و پرورش (تعلیم و تربیت). ۱۰۱ (۲۲) خرداد: ۴۱-۴۲.

معرفت، مینا. ۱۳۷۵. «پیشکسوتانی که به تهران مدرن شکل دادند.» تهران پایتخت دویست ساله: ۱۰۳-۱۳۷. نفیسی، نوشیندخت. ۱۳۸۲. موزه‌داری. تهران: سمت.

مشاهده واکنش بازدیدکنندگان نسبت به ورودی و صحبت با ایشان

۱۳. Carlo La Torre

۱۴. جان کوتون دانا (رئیس موزه نیوآرک از ۱۹۰۹ تا ۱۹۲۹) موزه را به انجمن خدماتی و همچنین آن بارت موزه را به کاخی برای مردم توصیف می‌کنند (دفتر تعاون وزرات امور خارجه ایتالیا، ۱۳۸۵: ۱۷۹).

فهرست منابع

بانی مسعود، امیر. ۱۳۸۸. معماری معاصر ایران. تهران: هنر معماری قرن.

رجبی، پرویز. ۱۳۵۵. معماری ایران در عصر پهلوی. تهران: دانشگاه ملی ایران

زاهدی، محمد. ۱۳۸۷. موزه، موزه‌داری و موزه‌ها. اصفهان: چهارباغ.

دفتر تعاون وزرات امور خارجه ایتالیا. ۱۳۸۵. برنامه بازسازی موزه ایران باستان. تهران: سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی.

ذکاء، یحیی و سمسار، محمدحسین. ۱۳۶۹. تهران در تصویر. تهران: سروش.

شهریور، محمدرضا. ۱۳۸۲. «میدان مشق و عمارت شهربانی.» معماری و فرهنگ، ش. ۱۵-۱۶: ۶۴-۶۸.

صمدی، حبیب الله. ۱۳۳۲. «موزه ایران باستان.» آموزش و پرورش (تعلیم و تربیت). ۵۲ (۲۶) تیر: ۴۳۷-۴۴۴.

کیانی، مصطفی. ۱۳۸۳. معماری دوره پهلوی اول. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

گدار، آندره. ۱۳۷۷. هنر ایران. ترجمه‌ی بهروز حبیبی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

گدار، آندره. ۱۳۷۱. طاق‌های ایرانی. ترجمه‌ی ابوالحسن سروقد مقدم. ج. دوماز آثار ایران. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

مصطفوی، محمدتقی. ۱۳۲۶. «تاریخچه موزه ایران باستان.»

Iran Bastan Museum; the Graft of Past, Present and Future¹

Nooshin Ziashahabi²

Nadieh Imani³

Abstract

The Iranian nation has experienced a variety of changes in socio- economic-cultural aspects of his life during the reign of Reza-Khan (1925–1941). In this period, a system of government was established that attempted to gather the modernization of the country with the desire to return to the glory of ancient Iran. The appearance of the nationalistic-modernist attitude is manifested in the architecture of the governmental buildings of that time. During this period, because of the relatively slow economy and the necessities of post-war reconstruction in Iran, only token architectural and city planning gestures could be afforded. The results of this were a great collection of buildings and edifices in Tehran and other cities that indicated the government's attention to useful exploitation of them. Nationalism and modernism bound the past to future. Some designers created works that were reminiscent of Iran's historical architectural heritage. Among these buildings, the Iran Bastan Museum is a notorious outstanding one.

In 1935, the French archaeologist and architect Andre Godard (1881-1965), designed the Iran Bastan Museum in Tehran. He carved out a grand parabolic entrance gateway reminiscent of the historic Sassanian Ctesiphon Vault, with brick detailing of robust elegance. The museum has two floors as showrooms contain artifacts from the lower, middle, and upper Paleolithic, as well as the Neolithic, Chalcolithic, early and late Bronze Age, and Iron Ages I-III, through the Median, Achaemenid, Seleucid, Parthian, and Sassanid periods. Moreover, the museum has a basement for storing and preserving archeological objects. This museum also has a lecture room, auditorium, and library. The museum building designed by Godard began in 1935 and completed within two years by Haj Abbas Me'mar and Ostad Morad Tabrizi, officially it was inaugurated in 1937. Being a masterwork of the architectural art the building is distinguished through following characteristics:

1. This Article is based on the author's MA thesis entitled "Interior Design of Iran National Museum with the aim of rehabilitation" supervised by Dr. Nadieh Imani

2. Instructor Professor, University of Art, Tehran, Iran. (E-mail: n.ziashahabi@art.ac.ir)

3. Associate Professor, University of Art, Tehran, Iran. (E-mail: imani@art.ac.ir)

First as the first museum built in Iran, Iran Bastan museum manifests the governmental inclination to gather the modernistic attitude with the nationalistic nostalgia like a symbol of growing national identity. Second because of the pattern of the building, that is inspired from the original Iranian architecture e.g. the main entrance of the building is built in the style of Sassanid vault, particularly the Iwan of Ctesiphon. Moreover, the last is because of the importance of the building consists in the collected archeological relics and include some rare medieval textiles and rug pieces.

Today this genuine historical building demands preservation. Iran Bastan Museum stands as one of the most original contemporary interpretations of the architectural heritage of Iran. In addition, it could be said that the architectural design approach and buildings of Andre Godard, had a pivotal impact on Iranian architectural thinking.

Keywords: Iran Bastan Museum, Iran's contemporary architecture, revitalization of the country, nationalistic, nostalgia, modernistic attitude, understanding architecture